

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

امید بهرنگ  
فرستنده: عثمان حیدری  
۲۶ اکتوبر ۲۰۱۷

## سمفونی آژیر؛ شیپور انقلاب!



در گرامیداشت صدمین سالگرد انقلاب اکتوبر

زمان: نومبر ۱۹۲۲

مکان: بندر باکو، ساحل بحیره خزر، آذربایجان شوروی

مناسبت: پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اکتوبر

خالق اثر و رهبر ارکستر: آرسنی اوراموف - Arseny Avraamov

شرکت کنندگان در ارکستر: سربازان، کارگران، رانندگان کامیون‌ها و قطارها، کارکنان تأسیسات شهری، بحری و

نظامی

۹۵ سال پیش در چنین روزهایی یکی از بی نظیرترین مراسم هنری در تاریخ جهان برگزار شد. در این مراسم، سمفونی آژیر به اجراء درآمد. مردم شهر باکو فراخوانده شدند تا نه تنها شاهد اجرای این سمفونی باشند بلکه هریک به سهم خود می بایست در خلق این اثر هنری نقشی بر عهده می گرفتند. (۱)

همگی چشم به رهبر ارکستر دوخته اند. ترکیب ارکستر بی همتا است: ۷ هنگ پیاده نظام، سوت کارخانه های باکو، ناوگان نظامی شوروی در بحیره خزر، توپخانه مستقر در بندر باکو، تمامی ناقوس های شهر، دهها کامیون، ۲۵ لوکوموتیو بخار و هواپیماهای آب‌نشین، همراه با یک ارکستر بزرگ و گروه کُر عظیم، همگی منتظر فرمان آرسنی اوراموف هستند تا یگانه ترین سمفونی تاریخ را آغاز کنند.

سمفونی با غرش شلیک توپ آغاز می شود، آژیر کشتی ها و سوت کارخانه ها و قطارها به صدا در می آیند، ناقوس های شهر نواخته می شوند، بانگ موتور هواپیما و آوای حرکت قطار به گوش می رسد، صلاهی همه مردم شنیده می شود، هورای عظیمی با صدای رژه سربازان در هم می آمیزد. بر متن این گام های استوار و آهنین سرود انقلابی "گردباد بحران" توسط گروه کُر خوانده می شود. بر بستر چنین تلفیقی است که سرود انترناسیونال آرام آرام با شکوه و صلابت تمام از نو زاده می گردد و به تم اصلی سمفونی بدل می شود. سمفونی آژیر با اوج یابی این سرود تاریخی و با غرش مسلسل ها و صدای دوباره آژیرها پایان می یابد.

آرشی اوراموف که این سمفونی را برای بزرگداشت انقلاب اکتوبر خلق کرده بود، میخواست با اجرای استثنائی خود در باکو دوران تاریخی نوینی را اعلام دارد. دورانی که برای نخستین بار بخشی از بشریت در حال تغییر آگاهانه و داوطلبانه خود و جهان بود. توپ های انقلاب اکتوبر به رهبری لنین جنبش انقلابی کمونیستی را برای سراسر جهان به ارمغان آورد و کل مسیر تاریخ جهان را تغییر داد. بی شک اوراموف با آژیر خود در با خبر کردن دیگران از این حادثه عظیم تاریخی موفق بود و مردم شهر و شنوندگان این اثر نیز حس پیروزی نبردهای تاریخ سازی را که طی پنج سال قیام و جنگ داخلی لمس کرده بودند، دوباره تجربه کردند.

دیگر کارگران باکو در صدای سوت کارخانه زنجیر اسارت و بردگی نمی دیدند و از صدای لوکوموتیو و هواپیما و دیگر ابزار دست ساخته خویش بیگانه نبودند. غریو همه و هورایشان بیان همبستگی بود. غرش توپ و مسلسل ها بیان اعمال قدرت دولتی نوینی به نام دیکتاتوری پرولتاریا. آنان در نغمه انترناسیونال، اشک و خون، شوق و زحمت طبقه ای جهانی را می دیدند که قادر شد جامعه ای را رها کند و ندای انقلاب و رهائی بشریت سر دهد. سرودی که همه کمونیست ها را در زمان رزم های خیابانی، در هنگامه نبردهای مسلحانه و در وقت اسارت و لحظه تیرباران به هم متصل می کرد و هنوز هم می کند.

شاید از دید مخاطب امروزی به کارگیری این حد از واقع گرایی برای موسیقی به عنوان یکی از انتزاعی ترین اشکال هنری نتراشیده و نخراشیده به نظر رسد. اما باید آن را در چارچوب زمانی خود مورد بررسی و قضاوت قرارداد. اوراموف مانند بسیاری از هنرمندان آن دوره در حال زیر پای گذاشتن خط قرمزهایی بود که توسط طبقات ارتجاعی حاکم کشیده شده بود. تا آن زمان نه تنها اکثریت مردم می بایست از هنر و حس زیبایی شناسی والا محروم می ماندند بلکه هنرمندان نیز می بایست منحصراً برای خواص تولید می کردند. چه رسد به این که توده ها جرأت کنند قدم در عرصه خلق آثار هنری بگذارند و با هنرمندان در خلق این قبیل آثار شریک شوند. انقلاب بلشویکی این جرأت را به توده ها منجمله هنرمندان بخشید که به عرش اعلا یورش برند؛ همدیگر را بیابند و از نیازهای هم باخبر شوند و از خلاقیت های هم سودجویند؛ با زیر سؤال بردن تقسیم کار میان کار فکری و یدی به ورای مرزهای از قبل تعیین شده روند. (۲) اگر مبارزه به ورای مرزهای قابل قبول نرود، تغییرات اساسی هرگز به وقوع نخواهد پیوست. زمانی که توده ها برای تغییر جهان وارونه به پا می خیزند بناچار زیاده روی هائی صورت می گیرد و گرنه تغییر اساسی صورت نخواهد گرفت. میله کج را بدون خم کردن نمی توان راست کرد. الکساندر بلوک شاعر انقلابی، آن دوره را بسیار عالی تصویر کرد: "چه تصویری کردید؟ که انقلاب قصیده ای عاشقانه است؟ که حرکت آغازین هیچ چیز را در سر راهش خراب نخواهد کرد؟ که خلق عاقل و ساکت باقی می ماند؟" (۳)

شاید از دید مخاطب امروزی به کارگیری اصوات "خشن" مانند صدای شلیک توپ، مسلسل، آژیر کشتی، سوت قطار و کارخانه در موسیقی بیش از حد خام و زمخت به نظر رسد. اما زمانه، زمانه تغییرات بود. دوران فقط محتوای نوین طلب نمی کرد بلکه در زمینه سبک و فرم نیز خواهان تحول بود. سبک و فرم نیز می بایست از قیدوبندها رها و

تروتازه می شدند و تحرک جدیدی به رابطه فرم و محتوا در آثار هنری داده می شد تا سلیقه جدید، جایگزین سلیقه قدیم شود. آروموف با اثر خویش اعتقاد چند هزار ساله بشر در زمینه موسیقی را بی اعتبار کرد. موسیقی فقط شنیدن "اصوات و الحان خوش" نیست. بشر همان طور که از چهجه پرندگان و صدای آب و آبنبار و باد می تواند لذت ببرد از صدای ابزار صنعتی خلق شده توسط خویش نیز می تواند لذت برد. این امر انعکاس جهان بینی انقلابی بود که پشت این اثر قرار داشت. این سبک بعدها در نیمه دوم قرن بیستم، توسط موسیقیدانان به کار گرفته شد. با ورود کامپیوتر و فناوری قابل دسترس الکترونیک، بسیاری از هنرمندان برای خلق یک آهنگ، صداهائی غیر از صدای سازهای مرسوم را به عنوان عنصر اصلی اثر به کار گرفتند. یکی از مشهورترین آن ها گروه پینگ فلاید است. هنوز صدای پرواز هلی کوپتر در موسیقی شان شنوندگان را مبهوت می کند و تکانشان می دهد و حس غریب جنگ ویتنام را به آنان یادآوری می کند. آروموف با آفرینش این اثر استثنائی و سترگ در اوایل قرن بیستم راه را برای کسب تجربه های تازه گشود. همان گونه که از منظر تاریخی، انقلاب اکتوبر چنین نقشی در همه زمینه ها - به ویژه هنر - ایفا کرد.

البته این نقش نمی توانست مهر محدودیت های تاریخی را بر خود نداشته باشد. بی شک این تجربه تاریخی با نواقص، کمبودها و اشتباهاتی همراه بود. کدام انقلابی است که با محدودیت های عینی - ذهنی روبه رو نشده باشد. به ویژه انقلابی که برای نخستین بار بخواهد نقطه پایانی بر تمامی اشکال ستم و استثمار باشد. انقلاب اکتوبر نشان داد که هنر می تواند در دسترس همگان قرار گیرد؛ چشم به جهان دوزد و رهائی بخش شود؛ هنر به عنوان بخشی لاینفک از مجموعه فعالیت های اجتماعی بشر می تواند آگاهانه در جهان بیرونی دست کاری کند. هنر می تواند شیپور باشد نه لالائی؛ انقلاب را جشن گیرد چرا که انقلاب شادترین جشن توده هاست.

بر این پایه بود که علی رغم کمبود امکانات، دولت سوسیالیستی، امکانات بی نظیری در اختیار هنرمندان قرار داد تا بتوانند مردم را با تاریخ هنر، نشانه ها و کاربردهای هنر آشنا کنند و مردم را یاری دهند تا اشکال گوناگون هنر را بفهمند و تجربه کنند و با کار جمعی آثار هنری نوین و هیجان انگیزی بیافرینند. از این طریق بر شوروشوق ساختن دنیائی از بنیاد متفاوت بیفزایند. بر بستر انقلاب اکتوبر بود که هنر به معنای واقعی بر تمامی جوانب جامعه و زندگی مردم تأثیر گذاشت. آثاری آفریده شد که از لحاظ هنری ارزش و جایگاه جهانی کسب کردند. کسی نمی تواند عظمت و جلای فلم هائی چون رزناو پوتمکین را نادیده گیرد. فلمی که در محتوا، فرم و سبک روز هائی که فشرده بیست سال بودند را به تصویر کشید. فلمی که همانند سمفونی آژیر با شرکت توده های وسیع ساخته شد. مردمی که با شغف بسیار تجارب انقلابی خود را بازسازی کردند. (باید بدانیم که نمایش این فلم به دلیل تحریک مردم به شورش تا اواسط دهه پنجاه میلادی در فرانسه "مهد دمکراسی" ممنوع بود.)

قدرت نوین برخاسته از انقلاب، برای توده ئی کردن هنر و ادبیات کتابخانه ها را که تا آن زمان در روسیه خصوصی بود، ملی اعلام کرد تا کتاب در دسترس همگان قرار گیرد. کارزارهای وسیع توده ئی برای رفع بی سوادی مردم طراحی شد، در کشوری که سه چهارم از ۱۵۰ میلیون جمعیت آن یا خواندن را اصلاً بلد نبودند یا به سختی از پس آن بر می آمدند. علی رغم کمبود کاغذ، چاپخانه ها میلیون ها کتاب درسی به ده ها زبان منتشر کردند. کسانی که مانع از حضور بی سوادان در کلاس های درس می شدند رسماً مورد تعقیب قانونی قرار می گرفتند. در روستاهای دور افتاده خواندن روزنامه به صدای بلند مرسوم شد. کلاس های شبانه یا تدریس در خانه برای زنان در نظر گرفته شد. مدارس اجباری، مجانی و مختلط شد. برای زیورود کردن نظام آموزشی کهن و مقابله با استبداد معلمان بحث های پر شور توده ئی سازمان داده شد. این بحث ها چنان بالا گرفت که سال تحصیلی ۱۹۱۸ با تعویق شروع شد. برای اولین بار تبعیض

مثبت به نفع کارگران برقرار شد، دانشکده های کارگری برپا شدند. در نتیجه این اقدامات تا سال ۱۹۲۲ حدود ۷ میلیون نفر باسواد شدند. در سال ۱۹۲۹ تعداد محصلان به رقم بی سابقه ۱۳ میلیون نفر و تعداد مدارس به ۱۳۹ هزار رسید. در نومبر سال ۱۹۱۸ لنین نخستین قطار سرخ را افتتاح کرد که طی یک هفته حدود هشتاد هزار کتاب و جزوه آموزشی در میان مردم در سراسر روسیه پخش کرد. گردهمایی های توده ئی حول قطار تشکیل شد. فلم برداران و نقاشانی که مسافر قطار بودند از زندگی هر روستا فلم می گرفتند یا طرح می زدند. در عرض دو سال این قطارهای تبلیغاتی به هزار ناحیه سفر کردند و بیش از سه هزار همایش توده ئی سازمان دادند. در آغاز سال ۱۹۱۹، ارتش سرخ ۱۲۰۰ کانون کتابخوانی و ۶۲۰۰ محفل سیاسی علمی شکل داد. هزاران تجمع و جشنواره هنری در زمینه تئاتر، نمایش های خیابانی، هنرهای تصویری و محفل بحث و مذاکره در مورد هنر و ادبیات سازمان داده شد. همه این اقدامات شوروی سوسیالیستی را به مکانی بسیار هیجان انگیز و فوق العاده برای زندگی بدل کرد که در هیچ کجای دنیا نظیرش وجود نداشت. مردم باکو حق داشتند که با سمفونی خود آژیر این انقلاب را به صدا درآورند.

این روند تا دهه سی میلادی به اشکال گوناگون ادامه داشت، اما بعدها دچار افت و خیز شد و سرانجام با به قدرت رسیدن کامل بورژوازی جدید در اوایل دهه پنجاه به شکست انجامید. خطای بزرگی است که گفته شود انقلاب اکتوبر در فردای پیروزی شکست خورد. بی مسؤلیتی بزرگ نسبت به تاریخ است که تلاش میلیون ها زن و مردی که آگاهانه می خواستند جامعه و جهان را دگرگون کنند، نادیده انگاشته شود. بدیهی است که نخستین تجربه کمونیست ها برای پی ریزی جامعه نوین با اشتباه های بسیار (در برخی زمینه ها سنگین و گاه دردناک) همراه بود. اما با مشاهده این خطاها نمی توان بر این تجربه تاریخی خط بطلان کشید. بدون برخورد دیالکتیکی به جنبه های مثبت و منفی این تجربه تاریخی و سنتز درست آن ها در سطحی بالاتر نمی توان مدعی برقراری جامعه سوسیالیستی در قرن بیست و یکم شد. (۴)

در زمینه هنر نیز بسیاری از خلاف جریان رفتن های اولیه (علی رغم خامی های شان) پی گرفته نشدند. یک جانبه نگری شروع به رشد کرد که آرام آرام هنر را از نقش خلاق و متحول کننده ای که می توانست ایفا کند بازداشت و عملکرد آن را هم در زمینه محتوا هم سبک و فرم محدود ساخت. درک های نادرستی شیوع یافت. هنر به انعکاس دقیق واقعیت اجتماعی تقلیل داده شد. روبنای سیاسی فرهنگی دنباله رو و بازتاب بی کم و کاست زیربنای اقتصادی دانسته شد. تفکری مکانیکی و تقلیل گرایانه که در تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی بی سابقه نبود. تفکری که برای روبنا نقش نسبتاً خودمختار، مستقل و مبتکرانه قائل نبود، نقشی که گاه می تواند اثر تعیین کننده بر جامعه داشته باشد. (۵) تفکر و گرایش غلطی که تنها در جریان انقلاب فرهنگی چین در دهه ۶۰ میلادی مورد بحث و جدل بسیار قرار گرفت و توسط مائو تسه دون نقد شد. بعدها باب آواکیان رهبر حزب کمونیست انقلابی امریکا توانست گسست های مائو را به سرانجام رساند و درک پیشرفته تری از جایگاه هنر و چگونگی برخورد به هنرمندان در جامعه سوسیالیستی جلو گذارد. (۶)

بر مبنای این درک کیفیتاً پیشرفته تر، هنر صرفاً درگیر کشف و بازتاب واقعیت آن گونه که هست، نیست. به قول مائو هنر باید همواره "عالی تر، پرتوان تر، منسجم تر و تییپیک تر از زندگی باشد." به قول برشت "اگر هنر بازتاب دهنده زندگی است این کار را با آئینه های مخصوصی انجام می دهد." به این معنا هنر همواره درگیر وام گرفتن از زندگی واقعی برای شکل دادن وقایعی است که تنها در خیال، هستی می یابند. البته برخی آثار هنری صرفاً بازتاب حوادث واقعی تاریخی و انسان های واقعی است هر چند در این مورد نیز هنر باید "عالی تر از زندگی" باشد اما این ژانر علی العموم با بقیه ژانرها فرق می کند. هنر مستلزم قبول امر خیالی به عنوان واقعیت است منتهی این امر را فقط تا حدی به صورت نسبی لازم می داند و ابداً از مردم نمی خواهد که بازتاب خیالی وقایع و اموری را که ارائه می دهد به عنوان

واقعیت‌پذیرند. وظیفه هنر صرفاً تبلیغ "حقیقت" و "تولید شناخت علمی" نیست بلکه هنر یاری رسان کشف حقیقت است. هنر جرأت کشف حقیقت را از طریق طرح پرسش، ابراز شک و نقد، کشف نو از دل کهنه بر می‌انگیزد. هنر به شیوه خاص خود، به کسب شناخت از جهان و ضرورت دست‌کاری در آن یاری می‌رساند.

سمفونی آژیر نمونه‌ای است که تلاش کرده تاریخ واقعی، حوادث واقعی و تلاش انسان‌های واقعی را بازتاب دهد. اما در همین زمینه نیز سنت‌شکنی‌هایی داشت که آن را تبدیل به اثری بدیع و جذاب کرد. در نظر بگیرید احساس مردم باکو را زمانی که در حال مشاهده و اجرا این سمفونی بودند. اوراموف در پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب، حسی را در مردم باکو برانگیخت که تجربه‌اش کرده بودند و آن را از سر گذرانده بودند: حس انقلاب! حسی که بشر در صدمین سالگرد انقلاب اکتوبر، بیش از هر زمانی دیگر بدان نیاز دارد.

### منابع و توضیحات:

۱ - با تشکر از فرید وهابی که برای نخستین بار سمفونی آژیر را در رادیو فرانسه در برنامه "اتاق موسیقی" به فارسی‌زبانان معرفی کرد. این سمفونی در اینترنت قابل دسترسی است:

(Arseny Avraamov - Symphony Of Factory Sirens (Public Event, Baku) ۱۹۲۲)

[https://www.youtube.com/watch?v=Kq\\_RHvPQ9w](https://www.youtube.com/watch?v=Kq_RHvPQ9w)

۲ - در طول قرن بیستم بسیاری از هنرمندان در چهارگوشه جهان چنین رویکردی در پیش گرفتند. یکی از آخرین نمونه‌ها فیلمی است به نام "جای چهره‌ها" (Visages, villages) به کارگردانی آنیس واردا و جی آر (Agnès JR, Varda). این فیلم حکایت دو هنرمند پیشرو است که به سراغ مردم در مکان‌های مختلف (شهر، روستا، کارخانه، بندرها و میدان‌ها شهر) در فرانسه می‌روند و ضمن صحبت با آنان از لحظات زندگی‌شان عکس می‌گیرند. آنان این عکس‌ها (با گاه تصاویر خانوادگی قدیم) را در ابعاد بسیار بزرگ چاپ می‌کنند و بر نمای خانه‌ها یا دیوارهای بلند کارخانه‌ها و ... می‌چسبانند. آنان با این روش به توده‌های کارکن غرور و افتخار می‌بخشند. این اثر برنده جایزه بهترین فیلم مستند در فستیوال کان در سال ۲۰۱۷ شد. آنیس واردا کارگردان ۸۹ ساله از چهره‌های برجسته موج نوی سینمای فرانسه در دهه شصت بود. او تنها زن کارگردانی است که امسال اسکار افتخاری را از آن خود کرد.

۳ - متن کاملتر شعر چنین است: چه تصویری کردید؟ که انقلاب قصیده‌ای عاشقانه است؟ که حرکت آغازین هیچ چیز را در سر راهش خراب نخواهد کرد؟ که خلق عاقل و ساکت باقی می‌ماند؟ که نفرت درازمدتی که "کارگران سیاه" را در برابر "دستان سفید"، "باسوادان" را در مقابل "جاهلان" و روشنفکران را در برابر خلق قرار می‌داد "بدون فوران خون" و "بی هیچ دردی" به پایان خواهد رسید؟ - الکساندر بلوک، "روشنفکران و انقلاب" (۱۹ جنوری ۱۹۱۸)، در آثار روانی، ۱۹۲۱-۱۹۰۶

۴ - برای جمع‌بندی از دستاوردها و دلایل شکست انقلاب اکتوبر به فصل سوم کتاب "تاریخ واقعی کمونیسم" اثر ریچارد لوتا (مترجم منیر امیری) رجوع شود. این کتاب جمع‌بندی دقیق، روشن و علمی از انقلاب‌های قرن بیستم ارائه می‌دهد. این اثر در سایت حزب کمونیست ایران (مارکسیست - لنینیست - مائوئیست) قابل دسترسی است.

مطالعه دو مقاله زیر نیز مفید می‌باشند:

"انقلاب اکتوبر و مسأله زنان" از امید بهرنگ که نخستین بار به مناسبت ۹۰ امین سالگرد انقلاب اکتوبر در نشریه سامان نو منتشر شد.

"گذشته و آینده کمونیسم در پرتو سنتز نوین - انقلاب اکتوبر" - نشریه حقیقت شماره ۵۱، آذر ۱۳۸۹، ارگان حزب کمونیست ایران (م ل م)

۵ - برای بحث بیشتر در زمینه هنر و جمع‌بندی از جایگاه هنر در انقلاب اکتوبر و جامعه شوروی به دو کتاب زیر در سایت حزب کمونیست ایران (م ل م) رجوع شود:

"گپی بر سر هنر، گفت و گو با یکی از رفقای دست‌اندرکار فعالیت های هنری" - زمستان ۱۳۸۴  
"از آهن مذاب تا گدازه خشک، تأملی در ادبیات و هنر شوروی از اکتوبر ۱۹۱۷ تا دهه ۱۹۶۰" اثر باربد کیوان - تابستان ۲۰۱۲

۶ - برای بحث عمیق‌تر، همه جانبه تر در مورد جایگاه هنر و چگونگی برخورد به هنر و هنرمندان در جامعه سوسیالیستی و نقد تجربه های جنبش کمونیستی رجوع شود به این دو اثر مهم باب آواکیان معمار کمونیسم نوین :  
"مشاهداتی در مورد هنر، فرهنگ، علم و فلسفه" از انتشارات Insight، شیکاگو، ۲۰۰۵ - برخی از مقالات این کتاب به فارسی ترجمه شده‌اند و در سایت حزب کمونیست ایران (م ل م) قابل دسترس اند.  
"انقلاب فرهنگی در چین، فرهنگ و هنر، دگراندیشی و جوش و خروش... و پیشبرد انقلاب به سوی کمونیسم" مصاحبه با باب آواکیان - ترجمه فارسی این مصاحبه در شماره های ۶۰ و ۶۱ نشریه حقیقت، شهریور [سنبله] و آذر [قوس] ۱۳۹۱ قابل دسترس است.

اکتوبر ۲۰۱۷